

نشانه‌شناسی (سمیوتیک)

واژه‌ی نشانه‌شناسی دارای ریشه‌ی یونانی است. این علم در قلمرو نشانه (Sign) و معنا (Meaning) به پژوهش می‌پردازد و در حقیقت از واژگان علم پزشکی که علائم بیماری‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهد، برگرفته شده است.

از دوران باستان، فیلسوفان، منطق‌دانان و دستور زبان‌شناسان، به تحقیق درباره‌ی نشانه‌ها مشغول بوده‌اند و از عصر رمانتیک تا به امروز، شاهد تلاش پی‌گیر زبان‌شناسان، مردم‌شناسان، روان‌شناسان، جامعه‌شناسان و ادبیات‌پژوهان برای تدوین نظریه‌ای منسجم درباره‌ی دلالت در ارتباط و شناخت، بوده‌ایم. [۱]

خاستگاه تاریخی نشانه‌شناسی را به آگوستین قدیس نسبت داده‌اند؛ زیرا او میان نشانه‌های طبیعی، نشانه‌های قراردادی و کارکرد نشانه‌ها نزد انسان و حیوان، تمایز قائل شد. اگرچه می‌توان نشانه‌شناسی را تا زمان ارسطو و افلاطون ردیابی کرد؛ ولی اولین بار نام نشانه‌شناسی را جان لاک (۱۶۳۲-۱۷۰۴) مطرح نمود و به شناختی که هم به مفاهیم ذهنی و هم در عین حال به نشانه‌های مربوط به ارتباط میان انسان‌ها بپردازد، اطلاق کرد.

ظهور نشانه‌شناسی به‌عنوان رشته‌ی علمی به چالرز سندرس پیرس (۱۸۳۹-۱۹۱۴) برمی‌گردد. از نظر او نشانه‌شناسی، چارچوبی ارجاعی است که هر مطالعه‌ی دیگر را دربرمی‌گیرد. تقریباً هم‌زمان با او، زبان‌شناس سوئیسی، فردینان دوسوسور (۱۸۵۷-۱۹۱۳) نیز نشانه‌شناسی را مطرح کرد. او بیان می‌داشت که زبان، نظامی از نشانه‌هایی است که بیانگر اندیشه‌هاست. از این رو با خط، الفبای کر و لال‌ها، آیین‌های نمادین، آداب معاشرت، علائم نظامی و غیره قابل مقایسه است. نشانه‌شناسی را او فقط زبان نمی‌دانست؛ بلکه در نظر دوسوسور، زبان مهم‌ترین این نظام‌هاست و می‌توان علمی را طراحی کرد، که به بررسی زندگی نشانه‌ها در دل زندگی اجتماعی بپردازد. این علم بخشی از روان‌شناسی اجتماعی و در نتیجه بخشی از روان‌شناسی عمومی خواهد بود که دوسوسور آن را سمولوژی نامید؛ که از (سه‌مدیون) یونانی به معنای نشانه‌آخذ شده است. [۲]

نشانه‌شناسی با هرچیزی که بتواند یک نشانه قلمداد شود، سر و کار دارد؛ از قبیل کلمات، شکل، تصاویر، اصوات، اشیاء و نشانه‌شناسان معاصر، نشانه‌ها را به‌طور منزوی مطالعه نمی‌کنند؛ بلکه به بررسی آن‌ها به‌عنوان بخشی از نظام‌های نشانه‌ای (مثل یک رسانه یا ژانر) می‌پردازند. آن‌ها

به دنبال پاسخ به این پرسش‌اند که معناها چگونه ساخته می‌شوند و واقعیت چطور باز نمایی می‌شود؟ [۳] به عبارت دیگر پژوهش‌های راجع به ارتباط بصری غیر زبان را نشانه‌شناسی می‌گوییم. علائم راهنمایی جاده‌ها، نقشه‌کشی، تصاویر مربوط به کالبدشناسی، شکل‌های بدنه و بال هواپیما، نمودارهای تصویری، نقشه‌های سیم‌کشی، نمودارهای سازمانی، داستان‌های مصور بدون شرح، نمودارهای ترسیمی (خطی)، آگهی‌های تبلیغاتی بصری، همگی در نشانه‌شناسی مطالعه می‌شوند. [۴]

زبان‌شناسی و نشانه‌شناسی

زبان‌شناسی، منتسب به دوسوسور است. حوزه مورد علاقه‌ی او، نشانه زبانی است؛ که در آن دنباله‌رو سنت نظریه‌پردازی در باب نشانه‌های قراردادی است و مفهوم در اولویت قرار دارد. او معتقد است فرایند ارتباط زبانی مستلزم انتقال محتوای ذهن است. زیرا نشانه‌هایی که رمزگان مورد استفاده در ارتباط میان دو شخص را می‌سازند، محتوای ذهن هریک از آن‌ها را آشکار می‌کنند. ترکیب ذهن با نوع خاصی از رمزگان نشانه‌ای، نکته‌ای بود که به دوسوسور جسارت داد، طراحی یک علم جدید را انجام دهد؛ که به بررسی زندگی نشانه‌ها در دل زندگی اجتماعی پرداخته و بخشی از روان‌شناسی اجتماعی و روان‌شناسی عمومی باشد؛ که به آن نشانه‌شناسی لقب داد. [۵]

رویکردهای نشانه‌شناسی

آثار نشانه‌شناسی را در سه رویکرد اصلی می‌توان دنبال کرد:

۱. **سنت فکری لاک، پیرس و چارلز موریس (۱۹۸۳)؛** که نقطه شروع آن یک نظریه‌ی عمومی در باب نشانه‌هاست (نشانه‌هایی که می‌توانند طبیعی یا قراردادی، انسانی یا غیر انسانی باشند). آرمان نهایی این سنت، پی‌ریزی یک نظریه‌ی عمومی در باب پدیده‌های ارتباطی است. در این چشم‌انداز، زبان انسانی، همچون یکی از چندین نظام زیستی دلالتی و ارتباطی جلوه می‌کند.

۲. **سبیرنتیک و نظریه‌ی اطلاع؛** این رویکرد در فرانسه در آثار آ. مول باز نمود شده است؛ اما به‌ویژه در دهه‌های شصت و هفتاد در شوروی تکوین یافته است. در این چارچوب، لوتمن نوعی سنخ‌شناسی را پیشنهاد می‌کند؛ که در آن، فرهنگ‌های خاستگاه‌گرا در مقابل آینده‌گرا، نشانه‌گرا

در مقابل نشانه‌ستیز، متن‌گرا در برابر رمزگرا و فرهنگ‌های اسطوره‌گرا را در برابر فرهنگ‌های علم‌گرا قرار می‌دهند.

۳. **سنت زبان‌شناختی؛** که به‌ویژه در فرانسه چیرگی داشت، در واقع کمابیش با جنبش ساختارگرایی یکی است. برخی برای آن‌که به ویژگی خاص آن اشاره کنند، از اصطلاح سمیولوژی دوسوسور و نه سمیوتیک استفاده می‌کنند. وجه مشخصه‌ی اصلی نشانه‌شناسی فرانسوی این است، که به‌طور تنگاتنگی به الگوی زبان‌شناسی ساختاری وابسته است؛ حتی تا آن‌جا پیش می‌رود که رابطه میان نشانه‌شناسی و زبان‌شناسی را واژگون کرده و نشانه‌شناسی را فقط جنبه‌ای از زبان‌شناسی می‌داند؛ زیرا این سنت معتقد است که در واقع همه‌ی نظام‌های غیر نشانه‌ای را زبان‌مقدّر کرده است و نشانه در ذهن، همچون زبان، بازشناسی می‌شود. [۶]

عناصر نشانه‌شناسی

عناصر عمده‌ی نشانه‌شناسی را می‌توان از یک سو به تفاوت زبان و گفتار و از سوی دیگر به رابطه‌ی بین دال و مدلول مورد بحث قرار داد:

۱) **زبان و گفتار؛** زبان به‌عنوان یک نماد اجتماعی و نظام ارزشی است که خود فرد نمی‌تواند آن را خلق کند یا تغییر دهد. زبان اساساً یک قرارداد اجتماعی است و فرد برای ارتباط با دیگران باید آن را در تمامیت‌اش بپذیرد. ولی گفتار در مقابل زبان، اساساً یک فعل فردی مربوط به انتخاب و فعلیت بخشیدن است و به‌تعبیری، گفتار یک فعل ترکیبی است؛ که با فعل افراد مرتبط است؛ نه صرف آفرینش‌های زبانی آنان.

۲) **دال و مدلول؛** دال و مدلول از اجزاء نشانه‌شناسی هستند. دال یک واسطه است و حتماً به ماده و موضوعی نیاز دارد و جوهر دال، همیشه مادی است (صداها، اشیاء، تصاویر و تخیلات) و مدلول نیز در پس دال قرار دارد و فقط از طریق دال می‌توان به آن دست یافت و آن چیزی است که از مدلول فهم می‌شود. [۷]

تفاوت نشانه‌شناسی و هرمنوتیک

از زاویه‌ای دیگر، نشانه‌شناسی عبارت است از مطالعه‌ی نشانه‌ها و فرایندهای تأویل، با توجه به این که یک چیز، فقط هنگامی نشانه است، که یک تأویل‌گر آن را به عنوان نشانه‌ی چیزی تأویل کرده باشد؛ بنابراین، روابط ژرفی میان نشانه‌شناسی و هرمنوتیک وجود دارد؛ اما نشانه‌شناسی معاصر به طور کامل مستقل از هرمنوتیک تحوّل یافته است. نشانه‌شناسی مدّعی است، پیش از آنکه نظریه‌ای در باب تأویل باشد، نظریه‌ای در باب نشانه‌ها و رده‌بندی آن‌ها و تحلیلی در باب واژگان و دستورهای زبان و نظام‌ها و قراردادهاست. البته به تازگی تأکید آن بر مسائل مربوط به تأویل، به نحوی گسترده‌تر، بر کاربردشناسی نشانه‌ها معطوف شده است. به دلیل اهمیت نشانه‌های زبان و ارتباطات انسانی، دیر زمانی است مباحث ارتباطات، با تفکر در باب زبان درآمیخته است. [۸] دوسوسور در دوره‌ی زبان‌شناسی عمومی که در سال ۱۹۱۶ منتشر کرد، وجود یک دانش عمومی از نشانه‌ها (نشانه‌شناسی) را مسلم فرض کرد؛ که زبان‌شناسی فقط یک جزء آن است. پس هدف نشانه‌شناسی، بررسی و درک هر نظامی از نشانه‌ها، بدون توجه به ماهیت و محدودیت آن‌هاست.

تفاوت نشانه‌شناسی با سایر رشته‌های مرتبط

در باب تفاوت نشانه‌شناسی با سایر رشته‌ها، می‌توان چنین گفت که تصاویر، اشارات و علائم، آواهای موسیقی، اشیاء، تداعی‌ها و پیوستگی‌های پیچیده‌ی همه‌ی این‌ها که محتوای سنت‌ها، آیین‌ها، قراردادها یا سرگرمی‌های عمومی را تشکیل می‌دهند، می‌توانند در حوزه‌ی نشانه‌شناسی قرار گیرند و قادرند نظام‌هایی از دلالت را تأسیس کنند. [۹] مثلاً اگر در مورد مُد لباس بخواهیم بحث کنیم، اگرچه بعد اقتصادی و جامعه‌شناختی دارد؛ ولی نشانه‌شناسی با اقتصاد و جامعه‌شناسی مد و لباس سروکار ندارد؛ بلکه فقط می‌گوید اقتصاد و جامعه‌شناسی در کدام سطح نظام غایی، تناسب نشانه‌شناختی کسب می‌کنند؟ مثلاً در سطح نشانه‌ی لباس رسمی یا مذهبی؟ یا محدودیت‌های تداعی‌کننده (تابلو) یا در سطح کلام تضمینی. [۱۰]

- [۱]. دینه‌سن، آنه ماری؛ درآمدی بر نشانه‌شناسی، مظفر قهرمان، تهران، پرسش، ۱۳۸۰، چاپ اول، ص ۱۱.
- [۲]. گیرو، پی‌یر؛ نشانه‌شناسی، محمد نبوی، تهران، آگه، ۱۳۸۳، چاپ دوم، ص ۱۴۳-۱۴۹ و بارت، رولان؛ عناصر نشانه‌شناسی، مجید محمدی، تهران، هدی، ۱۳۷۰، چاپ اول، ص ۱۵-۹.
- [۳]. چندلر، دانیل؛ مبانی نشانه‌شناسی، پارسا، تهران، سوره مهر، ۱۳۸۶، چاپ اول، ص ۲۴-۲۵.
- [۴]. شایان‌مهر، علیرضا؛ دائرةالعارف تطبیقی علوم اجتماعی، تهران، کیهان، ۱۳۷۷، چاپ اول، کتاب اول، ص ۵۲۸.
- [۵]. کایلی، پل و لیتزا، یانتس؛ نشانه‌شناسی، محمد نبوی، تهران، شیرازه، ۱۳۸۰، چاپ اول، ص ۹-۱۴.
- [۶]. گیرو، پی‌یر؛ ص ۱۵۲-۱۵۴.
- [۷]. بارت، رولان؛ ص ۱۵.
- [۸]. گیرو، پی‌یر؛ ص ۱۴۳-۱۴۹.
- [۹]. بارت، رولان؛ ص ۱۱.
- [۱۰]. همان، ص ۱۳۰.